

مطبع و اداره خانه درخان والده در دله  
مختصه است

کتابخانه برای مرجع کازت با داره داده شده و طبق نشود بصاحبش رد نخواهد شد

کتابخانه که اجرت پرست این داده نشده است از جانب اداره قبول نخواهد شد

۱۲۹۲

میت سالیانه شش مجیدیه سفید  
شش ماه چهار مجیدیه سفید  
یک نسله ده باره رایج است  
اجرت پوسته سالیانه دو دانه سه و برای  
خارج شش مجیدیه سفید افزوده خواهد شد  
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزها  
مطب و نشر خواهد شد

این کازت از حوادث کونا کون و از سیاسیات و پونیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هر کون مواد مفید و عامه بمانا قبول و طبع خواهد شد از اعلانی که در ضمن حوادث نوشته شود به سطره و غروش و از اعلانات عادی به سطره خودش اقع خواهد شد

— آزادی افکار —

می بینیم در جلد «قانونهای مجالس شوری وانجمنهای دیگر فصلی در اینباب مینویسند . که هرکسی رای خود را بدون هیچ ملاحظه و احتیاط خارجی و زسی با آزادی بیان نماید . و این قدره در این مطلب اعتنا و اهتمام دارند که جمیع قانونها و احکام تفذات دولتی و مملکتی را استقرار و پایداری ندیده اند مگر در اینکه همین معنی آزادی را بطور مطلق در کارها جاری نمایند .

در دول متکثره این معنی را تا یکدرجه پیش برده اند و واسطه‌ای را که برای حصول این مقصود لازم دانسته اند تا توانستند فراهم آورده‌اند لکن بطوریکه معلوم است درجات آزادی در هیچ جای دنیا و لا بد درجه مطلوبه نرسیده و ثبات در میان آنها یعنی آزادی که در مملکت و دولتی هست فرق کلی دارد با آزادی که در دیگر مملکت می‌باشد و وسایه این کار هم واضحات و جهات متوجه نیز در کار هست که حاکمان و خض این جهت مطلب نیست و علاوه بر این جهات نقصان این کار و اسباب اختلاف درجات بر حسب موقع و اهل و زمان و مزجه و اقتضات دیگر بطور طبیعی است و در مد نظر است .

لکن این یکی را باید دانست که آزادی بشرط استقامت  
و اعتدال حقیقه باعث درست شدن همه کارها است  
و سبب انتظام تمامی امور ملکی و مملکتی است .  
ملاحظه باید کرد و فصول همین تعلیمات عمومی  
و لایتهای که تمهید آن در همین نسخه درج خواهد شد .  
که تعلیمات و دستورالعملی از آن جامعتر و بهتر نمی  
شود که نوشته شده است . و جان آن نیست مگر  
آزادی افکار حتی بدرجه این آزادی جاری فرمود  
اند که اگر یکی از اهالی و زبردستان کاری بقاعده  
و تعدی در حق خود به بیند ما دؤن است بلا واسطه  
حال خود را بر مرکز دولت عرض کند . و این مطلب  
از شعبه های آزادی است . و از نتایج اینست که  
اهالی حر و آزاد هستند . مملوک و اسیر ما مورین  
جز نیستند که هر طور بخواهند در حق آنها رفتار  
نمایند .

بعد از آنکه این معنی آزادی در افراد واجزای ملک و وطنی عمومیت حاصل کرد و در کمال اعتدال

وخلوص نیت هر کسی باندازه خود و بقدر بیکه متعلق  
باو است این حکم حریت را استعمال نمود . آن  
وقت تمام سعادت حال ملک ووطن حاصل خواهد  
بود . و ترقیات علمی و عملی کنی بدرجات ترقی این آزادی  
بالا خواهد رفت .

آزادی افکار را تا یکسدرجه هم در مطبوعات باید  
ملاحظه کرد یعنی اوراق اخبار و جریده ها و روزنامه ها  
که مبین حالت و اطوار عموم اهالی است و واسطه  
آگاهی اجزای وطن از امور اتفاقیه در اطراف وطن  
و خیر دهنده بآنها است از معاملات و کارهایی که  
در حق آنها جاری است و مناسبانی که دائماً در میان  
آنهاند بواسطه اطلاعات هر یک باشد.

در اینجا با لفظ تنذیر اذهان هم هست که در اکثر اوقات روزنامه نویسا می گویند اگر فلان چیز را نویسم بلکه موجب تنذیر اذهان شد یعنی خنده ها بدعنها وارد نمود و بدین جهت از نوشتن اکثر چیزها که از فروعات آزادی مطبوعاتست صرف نظر میکنند . حال آنکه این روش برخلاف اساس مطبوعاتست و این نیست مگر از موازنه نکردن کارها با مقاصد معتدله . راست است اذهان را نباید تنذیر کرد لکن بعض مطالب و مواد را در نظرگاه عامه و حکومت سیه باید آورد . و بهوورهای خوش و زبانه های مغفل هر چه از کلی و جزئی دید ، میشود بصلق نیت و خلوص عقیدت باید در صحیفه اوراق گذاشته عرض کرد . اهل را به نیکی و اخلاق حسنه و ترک اخلاق سته باید دعوت کرد . و این هم غالباً و مختصراً بواسطه اخبار و حوادث یومیه میشود .

والمحصل وظيفه مطبوعات را بکفدري بايد رعایت کرد و این وظیفه را زیاتر از همه چیز در انتظام کلیه کارها مؤثر باید دانست غرضهای شخصی را باید کنار گذاشت . نتیجه کار را پیش از وقت باید فهمید و مبانی عمل را در هر حال بدان مقرر داشته کار را از پیش برد .

معن درآزادی افکار است . هر قدر اسباب پیشرفت و قوت در این کار زیادتر ظاهر گردد با تدریج نیز محنت و منافع آن مشهود و محسوس شود .

دروازه‌های هندوستان همیشه می‌نمایند که از  
مأمورین جزه و معاملات نفقات ضبطیه شکایتها  
می‌کنند و خیلی هم سخت می‌نویسند معلوم است  
که این مأموریت را حکومت بآنها داده است و این  
کار بوجهی باعث تخلفات ذهن کسی نمی‌شود .  
مأمورین جزه برای محافظه حقوق رعیت و اهل  
است . در صورتیکه خود از حد تجاوز کرد چگونه  
حق دیگر را حفظ خواهد کرد . و چگونه اعتماد  
و امنیت بحفاظت او حاصل تواند کردید . اینگونه  
مأمور که حکم و امتیاز خود را که بجهت نگاه داری  
حق مردم باورده اند در غیر موقع و بطور غیر  
مرضی استعمال نمود . مستحق جزا و هرگونه  
مواخذة و تادیب خواهد بود بل جزای آنها  
براتب باید از جزای اعیان ناس بیشتر و شدیدتر  
شد .

اکنون حدود کار را که ملاحظه میکنیم در هر حال  
حریت افکار را حاکم بر تمامی امور توانیم دانست .  
این حریت هم قانونها را بطور اعتدال در موقع  
اجرا تواند داشت و هم حدود معاملات و رفتارها را  
در یک میزان مستقی محدود تواند نمود . و علاوه  
بر این شرف انسانیت باقی تواند بود مگر با آزادی  
افکار و بقای عزت و شان آدمی منصور تواند شد .  
بجز در صورت حریت معنیه و اساس سعادت  
و نیک بختی هیچ ملت و مملکتی بیدار نتواند کردید  
جز به بیداری آزادی خیال و حریت نیت  
منتهایه .

﴿ اخبار تلکرافی ﴾

(فرانسه)

پار یس ۴ عارس

اسامی\* وکلای تازه دولت فرانسه در روز سه شنبه آینده در ضمن کازت رسمی منتشر و اعلان خواهد شد .  
دون فارلو در شهر بولون سوار و پور شده و بسبب انگلستان عزت کرده است .

٦٦ ریش - مجارستان

من ۴ عارس

محاسن والای نجیا ( شامبرہ سنچور ) عہد نامہ

بجاری امارت مملکتیں را تصدیق نمود لاشعہ (عرض  
مختصری) را کہ در خصوص انعقاد یک کونفرسیون  
بمجهه قرار استراض جدید بیجلس مذکور داد  
شده بود از جانب مجلس پذیرفته شد . فقرہ رسم  
کرفتن از بوسہ وین را هم شورای مذکور تصدیق  
نمود .

روز اجتماع مجلس شورای ملت بامر اعلیحضرت  
معماری بنا خیر افتاد .

امریک ( یعنی نیکی دنیا )

واشینکتون ۴ مارس

مسو بلکتاب وزیر جنگ بمحاکمہ جزایہ کشیدہ  
شدہ و شروع بمحاکمہ او شد .

( یوتانستان )

نہیں ۴ عارس

امروز از علیا حضرت قرایچه یک دختر بوجود آمد.

(اسماء)

مادريد ايضا

کرکسان دون قارلوتا به ۱۵ ماه مارس نسليم حکومت  
 بشوند در حق آنها عفو و اغماض بعمل خواهد آمد .  
 (روزهواس)

اتریش - مجارستان

وین ۱ عارس

بورسه سست است و دادوستد نیست . در وقت تعطیل بورسه خیانت اسهام کی ترقی کرد .  
( وردناتو )

﴿ اخبار داخليہ ﴾

توجہات

معاونی ثمریفات خارجیہ باریہ صنف متاری ثابہ  
بر کتاب ابراہیم یک افسدی از خلفای مکتوبی  
صدر عالی توجہ فرمودہ شدہ است .



شب یکشنبه گذشته حضرات وکلای فحام دولتی و کتبه جناب مستطاب الفخام صدر اعظمی مهمان بوده اند بعد از صرف شام مجلس مخصوص بجهت مذاکرات بعضی مطالب عمده منعقد گردیده است .

بطوریکه جناب مستطاب الفخام صدر اعظمی مقرر فرموده اند که سعادتآب سعید یک افتدی درکلات امور نظارت بجهت مطبوعات نظارت داشته باشند .

وایور همایون طائف نام برروز بعضی تدارکات حریه را برداشته و از اسلامبول بسمت بندر قلیق عزیمت کرده است .

مسو ( ماشین ) جزال و نوسل دولت روسیه در دریای قزاق وفات کرده است . موی الیه از مردمان خوب دنیا بود . از نوسال با طرف کارهای اهالی ایران را نیز برقرار داد سفارت علیه ایران در آنجا اورسیده کی میکرد موی الیه زبان فارسی را خوب میدانست .

اوانت هرا لدمی نو بسد مسو طاریفی بدو مقطوعی امارت ملکیتین را که وعده آن در اول ماه مارس روی است از قرار برای ۲۲ فرانک و هشتاد و چهار سانسیم نظارت جلیه مایه کار سازی و ایفا خواهد کرد .

بجهت وایورهای عزیریه شش عدد قازقان بلندن سفارش شده بوده است قازقانهای مذکور وارد اسلامبول شده است .

در ایصاله که از توابع ولایت ادرنه و در داخل سنجاق کلیبول است مرکز تلکرافتخانه تازه بنیاده است و بکار انداخته اند .

مذکور شد کازت استقبال که سابقا بلامدت از جانب اداره مضبوطات تعطیل شده بود . امروزها بشخصه سده امروز و فردا منتشر خواهد شد . چون استقبال حقیقه یکی از کازت های خیر خواه وطن بود استماع این خبر باعث خوشودی و ابتهاج گردید .

کازت ( تاخیرات ) یعنی روزنامه که دروین طبع میشود تلکرافتی از بکری نقل میکند که امارت ملکیتین و طلیقه خود را موافق حقوق ملل رعایت خواهد کرد . و روابط امارت موی الیه بابایه الی بسیار خوب است .

کازت رسمی بلغراد از جانب مدیر حریه صربستان اعلانی منتشر کرد که از بیست ساله تا پنجاه سالگی که تاکنون بمساکر نفسامیه خدمت نکرده اند باید ناهتم ماه مارس روی در نزد کومیسونیهای

نظامی که مقرر شده است حاضر بشوند . بجهت اینکه امارت صربستان میخواهد ترتیب عساکر احتیاطیه را منظم بدارد .

از قرار مذکور مبلغ پنجاه هزار لیرای عثمانی از جانب بابای فرار داده شده است برای مخارج برکنش فراریان اهل شورش هرکس و بوسنه بجایهای خودشان وساختن خانه و کلیساهای آنها داده شود و مقداری از این مبلغ بجنابان حیدر افتدی و واسه افتدی حواله فرموده شده است که باقی دیگر نیز داده شود .

#### ( بقیه از تعلیمات عمومی ولایات )

ماده هیجدهم والیهها بطور قطع ممنوع هستند از اینکه صاحبان منصب و نفقات ضبطیه را بهر اسم و رسم و تأویلی که بوده باشد در خدمتهای شخصی خودشان کار فرمایند و حکم این ممنوعیت در حق متصرف و قائم مقامها نیز شامل خواهد بود .

ماده نوزدهم اهالی دهات را اذن و رخصت داده میشود که هرگاه ضبطیهها و مباشرین تحصیل و کروه خدمه از آنها بلاعوض و مجاناکه و جو برای مالها و خوراک بجهت خودشان بخوانند فوراً بحکومت اطلاع بدهند . و از جانب والیهها بطور دائمی مراقب باین فقره ممنوعیت شده و هر کسی در خارج این غرض رفار کند جزای قانونی در حق او بعمل یاورند .

ماده بیستم در خصوص حمل و نقل اشیاء مبری ( یعنی دیوانی ) و تدارکات و مهمات عسکریه که باید حیوانات حاضر بشود هر گونه سوء استعمالات را ذیت و از تاج بطور دائمی ممنوع خواهد بود .

ماده بیست و یکم والیهها همیشه احوال زندانها و حبسخانهها و محبوسین را تحقیق کرده و کسائی را که با آنجا داخل میشوند و امور حفظ صحت آنها را و همچنین کارهای را که در محبس مشغول هستند رسیده کی خواهند نمود . و آنهایی که مدت حبسشان تمام شده است بدون تأخیر از زندان بیرون کرده و خیلی دقت خواهد کرد که بلا سبب مدت دور و دراز مردم در زندان نمانند . و آنهایی که بلا حکم نگاه داشته شده اند در خصوص آنها امر و اخطار نموده حکمی که قرار داده می شود آرا اجرا خواهند کرد .

ماده بیست و دوم والیهها در کارهای نظارت حبسخانهها و تغذیه و تحقیق احوال محبوسین رؤسای مجلس تمیز را نیز استخدام خواهند کرد یعنی خدمت باز خواهند داشت .

ماده بیست و سیم اظهارات و اشعاراتی را که مدیران و مباشرین امور حبسخانهها در خصوص اصلاح آنها و احوال عمومی محبوسین بیان می آرند باید بدقت رسیده کی و مطالعات لازم خودشان را

بعمل یاورند . و در هر سه ماهی جدول عمومی اسمی محبوسین را که در داخل و ذیت زندان گذاشته میشوند و مرخص می گردند و آنهایی که هستند نوشته نظارت عدلیه خواهند فرستاد . و این سپارشهایی که در خصوص حبس خانهها است در سنجاقها بتصرفیهها و در قضاها بپایم مقامات نیز عالم و متعلق خواهد بود .

ماده بیست و چهارم والیهها در انتخاب اعضای محکمهها و مذاکرات آنها مداخله ننمایند کرد فقط هرگاه به بینه در کارهایی که مخفوق و جزاها متعلق است اعمال و تأخیر میشود و یا اینکه از جانب صاحبان دعوا شکایتی واقع گردد بروسای محکمهها لازمۀ سفارشات تبلیغ و اکر مقتضی باشد نظارت عدلیه اشعار خواهند نمود . و هرکاری که از حقوق شخص بوده و حکم در خصوص آن صادر شده باشد فوراً بجری شده و بدون جهت تأخیر آن جایز نخواهد بود .

ماده بیست و پنجم در آسای رسیدگی دعوایی وایهارا بوجوب قانون و بطور قطعی جایز نیست که در خصوص آن دعوا نفوذ خودشان را کلا یا بعضاً بکار بیزند و یا آنکه آثار جایت و تصاحب یکی از طرفین را ظاهر نمایند .

ماده بیست و ششم مضبوطه های احکامی که در خصوص حقوق عادی محاکمات جزایه از جانب محکمه های نظامی داده خواهند شد بزبان عثمانی نوشته و بر حسب اقتضای موقع و مطلب بزبان عرب و روم و بلغار و یونانی و آلمانی نیز ترجمه شده و در ذیل آنها محرر خواهد گردید .

ماده بیست و هفتم نظارت تحصیل اموال و مالیات دیوانی و حفظ و فرستادن و صرف آن بجهت والیهها محمول است . و در این باب بوجوب درجات مأذونیت و مسئولیت ایشان که بکافه ذرات ( مستوفیان مباشرین امر مالیات ) مشرک است . و موافق دستور العمل جدا گانه معین میباشند رفتار خواهند نمود .

ماده بیست و هشتم والیهها مأذون نیستند بدون امر و اراده در ولایت ملک مالیات و توجیهی طرح و حواله نمایند و یا آنکه چیزی از تکالیف مقرر در خارج از مساعده موضوعه کم نمایند . و طلیقه ایشان در امور مالیاتی اینست که از یک طرف واردات مرتبه را بقاعده و در وقت و موقع آن تحصیل و استیفا نمایند و از طرف دیگر در صرف و خرج بقاعده تصرف رعایت کرده در مصارف مقننه و غیر مقننه ( ۱ ) منافع خزانه حفظ و عواما ملل دولت را از تلف شدن نگاهداری نمایند . در امر تحصیل هم حقانیت باید بکار برده شود . و هم نکند از دست بابت تسامح مأمورها باقی در محل و غیره بماند و نیز

( ۱ ) مصارف مقننه مصارف ولایتی و مائیدان است که در تحت قانون و قاعده معین و مصارف غیر مقننه برخلاف این است که در خارج بودجه یا مصارف فوق العاده و یا بامر مخصوص است .

والیهها مأذون هستند که آنچه از واردات مرتبه چهارم جهت وضع اصلی و چه از بابت مقدار مقارن عدالت باشد تمهید و اصلاح آنرا مطالعه کرده بایضای بیان و آنها نمایند . و نیز مأمورند باینکه دائم تحقیق و جستجو نمایند . که آیا دفتر دارها موافق احکام دستور العمل خودشان رفتار می نمایند یا نه .

ماده بیست و نهم عملیات و ساختن راهها و معبرها و سایر امور نافع تابع تعلیمات و دستور العمل تازه در این باب بوده و اساس آن تعلیمات از روی ممنوعیت کلیه و قطعیه بیکار و سفره گرفتن مردم خواهد بود .

ماده سی ام و صیبهایی که در خصوص ترکۀ صیوبها ظاهر میشود احکام آنها باید بجری گردد . اموال شیعیهای مسلم و غیر مسلم که در دست و صیوبی باشد یا آنها باید دست زد و موافق قاعده و نظایم که در ادباید رفتار شود . و اگر از ضرر رسانیدن و صیبهای بایتم و تعرض باموال آنها شکایتی بشود آنها را حایت و رعایت کرده شده لازمۀ تحقیق و رسیده کی در این باب بعمل خواهد آمد .

ماده سی و یکم والیهها مأذون می باشند از اینکه کارها و مصالحی را که بامور ملکیه و مایه واز مضبوطه آنچه متعلق بتوابع دایره مأموریت خودشان است بلا تأخیر اجرا نمایند . و در این باب بتصرفیهها و قائم مقامها بلا واسطه اموال لازمۀ صانرا کنند . و مأمورین ملکیه که در رعیت خودشان هستند بایشان رجوع خواهند کرد . ولی امور حقوقیه از این شرط مستثنا بوده از آن باینها متصرفیهها در مال لزوم نظارت عدلیه رجوع و آنچه از نظارت مشارالیهها جواب داده می شود اجرا خواهند داشت . و در آن بین بوالی هم اطلاعات دادن لازم خواهد بود .

ماده سی و دوم والیهها در داخله ولایت شخصاً تفش و تحقیقات را بعمل آورده از نظارت نظم و حسن جریان عموم کارها خودشان را معاف نخواهند دانست .

#### ( فصل رابع )

( در بیان کیفیت حرکات و رفتار متصرفیهها و قائم مقامها است )

ماده سی و سیم متصرفیهها در آن سنجاق که هستند وکیل والی میباشند . مفردات و طائف خودشان صارت از همین و طائف است که بموجب این تعلیمات عمومی در حق والیه معین گردید . همانطور که والی باید بسنجاق نظارت نماید بینه باید متصرفیهها هم بقضاها یعنی محلات سنجاقی که در تحت اداره خودشان است آنطور نظارت کنند .

ماده سی و چهارم متصرفیهها مأمور هستند بر اجراء و مسوادی را که مأذون بآن هستند بقائم مقامها تبلیغ و حواله نمایند و کارهایی که در فوق آن است از والیهها تحصیل اذن کرده باجرایی آنها پردازند .

ماده سی و پنجم متصرفیهها که بضابطه متعلق است بکیرند و مأذون هستند مراتب را اظهار دارند و عدلیه شوال و جواب

ماده سی و ششم قائم هستند وکلای متصرفیه صارت از اینست که آنچه راجع باداره قضاها مالیه و ملکیه و اجراءات

#### فصل

( در بیان وظایفها )

ماده سی و هفتم وظایف است که مراقبت بحاکم واز قاعده عدالت و نجویند . بقاعده بی ط در این بابی خودشان و اعضای محکمهها بینه عدلیه مربوط هستند

ماده سی و هشتم بایست ولایت و در لواها و در قضاها زیر ریاست مجلسها مأمور باداره و تعلق بدولت و ملکات آنها نیست که در کارها خود داری و ملاحظه رای

ماده سی و نهم کارها را داده شده و برخلاف آن مجلس از آنگونه اجراءات فقط اجتناب عام از خودشان را در خارج قاعده و عبارت دیگر بیدی است برخلاف فرار داد مجلس شود . و یا آنکه قرار وابطال شده باشد مساجرا خواهد بود .

ماده سی و دهم اعضای محکمهها در هرگاه درام و بصیبهایی و یا اجراءات وظلی به بینه تحقیقات و همچنین هر کدام از تبع از مأمورین حکومت و یا نیز بدولت عرض ش کنند . ولی اگر در اینک شود که بجهت بعضی غرض شکایت شده است بعد از حکم قانون در حق او



ماده می و پنجم منصرفها در کارهای فوق العاده که بضایعه متعلق است هم از اول باید دستور العمل بگیرند و مآذون هستند باقتضای کار بایعالت نیز مراتب را اظهار دارند و در کارهای حقوقی نظارت عدلیه سوال وجواب و مکاتبه کنند .

ماده می و ششم قائم مقامها در قضایای که هستند و کلای متصرفهای باشند وظائف آنها نیز عبارت از اینست . که از احکام عمومی این تعلیمات آنچه راجع بداره قضایا است اجرا دارند مأمور مالیه و ملکیه و اجراءات حقوق را بپردازند .

### فصل خامس

( در بیان وظایف محکمه ها و مجله ها است )

ماده می و هفتم وظائف محکمه های نظامیه اینست که مراقبت باحکام قوانین موضوعه نموده و از قاعده عدالت و استقامت بوجهی دوری نمایند . بقاعده بی طرفی محکمه ها اعضای عام در رایعای خودشان مستقل و آزاد هستند و اعضای محکمه ها بیعت جمعی که دارند بنظارت عدلیه مربوط هستند .

ماده می و هشتم مجله های اداره دروایند در تحت ریاست و له و در لواها در زیر ریاست منصرفها و در قضاها زیر ریاست قائم مقامها بوده . و این مجله ها مأمور بداره و پرداختن اموری هستند که متعلق بدولت و مملکت است . و تکلیف و وظیفه آنها اینست که در کارهای محوله بعد از آنها بی هیچ خود داری و ملاحظه رای خودشانرا بیان نمایند .

ماده می و نهم کارهایی که از مجله های اداره قرار داده شده و برخلاف آن قرار داد اجرا کرده می شود مجلس از آنکونه اجراءات مسئول نخواهد بود . فقط اجتناب تمام از این خواهد کرد که وظائف خودشانرا در خارج قاعده و قانون بطور غیر مرضی و عبارت دیگر بیستی استعمال نمایند . در صورتیکه برخلاف قرار داد مجلس اداره کاری مجری کرده شود . و یا آنکه قرار مذکور بدون جهتی ترك و ابطال شده باشد مسئولیت آن بعد از مأمورین اجرا خواهد بود .

ماده چهم اعضای مجالس اداره تا اینجا مآذون هستند که هرگاه در امور حکومت کاری قاعده و بخصای و یا اجراءات نامناسبی باینکه يك تعدی وظلی به باشند تحقیقات محققانه بعمل آورده و بدر خانه دولت بموجب مضبطه بیان و اشعار نمایند . همچنین هر کدام از تبعه دولت علیه که شکایتی از مأمورین حکومت و یا از افراد ناس داشته باشد نیز بد دولت عرض شکایت و بیان حال خود را کند . ولی اگر در آنکونه ادعا و شکایتها معلوم شود که بجهت بعضی غرضهای شخصی بافترا و تمسبی شکایت شده است بعد از تحقیق جرایم قوی موافق حکم قانون در حق او عمل آورده خواهد شد .

### خانه

در خصوص احکام مندرجه تعلیمات عمومی از جانب مجلس عالی اجراءات معرفت هیئت تفهیم تحقیقات لازمه بعمل خواهد آمد . که آیا موافق مقصود و مدلول احکام مذکور و رفاری شود و یا نه . و در صورتیکه ظاهر بشود حرکت و رفتار بی قاعده و نامناسبی بیان آمده است بموجب قانون هر کس باشد مسئول و در حق او حکم آن مجری خواهد کردید .

### ( یاد آوری )

یکی از ادبای در نسخه های اختراعت ( عیبا ) بی را دیده و در مجلسی اظهار کرده است که در این روزنامه فارسی بهتر این است نویسنده در آنکونه مواقع بجای عیبا ( آیا ) بنویسد بعلت اینکه آداب فارسی از ادات تعجب است . اگر چه بواسطه راوی سخن چند کلمه خدمت ایشان درین مطلب عرض کردم . لکن لازم میدانم در این مقام سخنی چند نیز بنویسم تا آنکه نمونه سخنها گردد . اولاً نویسنده اختراع هیچ کاهی دعوی صحت و یا خطی بودن آنرا کرده و همیشه حاضر است که هر گونه خطا و لغزش از هر جهت در آن دیده شده و بخلاص عقیدت اظهار بشود . کمال امتنان بفرقه برخطای خود اعتراف کند و هم شکر گذاری خود را در این باب اعلان نماید بعلت اینکه اقتضای ادب این است لازمه حقوق شناسی چنان است لازم دانش پروری جز این نیست .

ثانیاً این را عرض میکنم که نویسنده اختراع همان درجه که در آنحال حق کسی را نمیخواهد باطل کند بهمان درجه نیز باطل کسی را بنظر حق و صحیح بودن تواند دید و هرگز قبول نخواهد کرد کسی سخنی را بی اساس دست او بزند و آنچه نخواهد بگوید . عنوان این سخن اگر تعدی باشد کویا از دانستن فرق میان تعجب و استفهام بیان آمده است . چه آیا از ادات استفهام مطلق است نه از ادات تعجب . آری چون این استفهام مطلق بلفظ آیا از هر گونه سوالی بکار برده میشود و تعجب هم کاهی سوال میتواند بشود این است که شخص معترض اینکونه سوال را که بلفظ آیا است ادات تعجب فهمیده است . لکن میبایستی تصور نماید که در ایتمام اگر حرکت اعضا و لجه و لحن سخن فریاد حال نشود و مطلب هم متعلق تعجب نباشد لفظ آبادر هیچ لغتی دلالت بتعجب تواند داشت . و الحاصل اینها جمله معترضه است هر کس اعتراضی و سخنی در الفاظ و معانی مندرجه اختراع دارد اطف فرموده تحریر را بیان نمایند که بامتحان و شکر گذاری بفرقه بوجبات آن خواهیم پرداخت .

اعلیحضرت امیرالاور روسیه امر نموده اند که مأمورین سرای و خالواده امپراتوری بجهت وفات ( کرائد دوش ماری نیکولایونا ) خواهر

ایمپراتور مدت سیم ماه بیامه تمام پوشیده بلوازم سوکواری بپردازند .

بیست و چهار قطعه آسیاب که در سواحل نهر طونه در نزدیکی بشهر فلورینتون بوده است در هنگام طغیان آب نهر همه خراب و بیاصل سبیل طبیعت گردیده است .

### ( آزادی مذهب )

البته در نظر هاست که عده شکایتی اهل شورش و غیر آنها در افواه و السنه از فقره آزادی مذهب بیان می آمد . حتی لائحه را که جناب کونت اندرانی نوشته و اظهاراتی که با فاعلم رای دولت تمایله و غریبه بیاصلی نمودند آزادی مذهب را فقره نخستین از فقرات بیحکانه معدود داشته اند .

بعد از همه این تفصیلات و فرمانهای همایون کدر ۲۶ شهر شعبان ۱۲۵۵ در کلخانه خوانده شد و فرمان اصلاحاتی که در اوائل ماه جمادی الاخره ۱۲۵۳ صادر گردیده . و بنهمه نظامات و قوانین که هم با و از بلند میگویند تبعه و اهالی در نظر عدالت و قانون یکسان است . و اینقدر دلائل فعلیه و شهودیه که در اینباب اقامه شده و دولت تبعه غیر مسلم را در هر قسم مأمورین قبول کرده مراتب و مناصب بایشان داد . و روشهای مجالس را چندر بحاکم تجارت و چه در دواو دیگر از تبعه غیر مسلم تعیین نموده و ایشان را ( یعنی قانونا ) بر مسلم و غیر مسلم حاکم و آمر فرار داده اند . و هیچ علامتی از برای فرق گذاشتن در میان صنوف تبعه باقی گذاشته نشده است . باوجود این مقدمات کال تعجب را باید کرد که چه طور می شود از نظر خارج این مطلب بوجهی بخونند و همیشه سخن از آزادی مذهب میزنند ! حال آنکه اگر درست ملاحظه بشود آزادی مذهب را اگر دولتهای فرانکستان خودشان قبول کرده باشند ملای اینان هنوز نپذیرفته اند . تعصبی که در میان ملت کاتولیک هست . و اساس دعوت و تشوفاقی که برونستنها در همه جای دنیا نهاده اند . چگونه وفق میدهد با آزادی مذهب ؟ اگر آزادی مذهب اینست که هر کس تمصب خود را داشته دیگران را سرا و علنا با بین خود دعوت کند . و اسباب دعوت فراهم بیاورد . هنوز اسلامیان نمایان شدن تمصب ظاهر کرده اند و اسباب دعوتی فراهم می آرند . اورب باید خود را در جای بلند بی طرفی گذاشته ملاحظه حال مذهبی اهالی و تبعه خود را کرده و هم حال اسلام و اسلامیان را مشاهده نماید و خود بصفت و حقانیت حکم کند .

اینها از جهته ملی و مذهبی است . آندیم بجهت دولتی آیا حکم کدام قانون را درباره مسلم در مملکت عثمانیه مجری کردند که درباره غیر مسلم عمل آورده نشد ؟ کدام مالیات و توجه را از مسلم نکرختند که از غیر مسلم گرفته شد ؟ بجز از بدلات عسکریه ( که آنها هم عوض جان مالی از تبعه غیر مسلم گرفته میشود ) کدام تفاوت در امتیازات و معاملات دیگر درین میان توانیم دید .

آندیم باینکه تبعه غیر مسلم در بعض جاها از زیادی مأمورین جزیه یا اهالی شکایتی داشته اند . آیا این یکی را اسباب شکایت از عدم آزادی مذهبی میتوان کرد ؟ حال آنکه تعدی و زیادی و شکایت را هر زبانی میتوان بیان نمود و اگر اصل دارد بجهت طوری میتوان رفع کرد .

این عبارت اخلاقی مذهب و آزادی مذهب را بیان آوردن نیست مگر یک پولیتیک فسادیه که کوش داخل و خارجی را که از اوضاع کار درست مطلع نیست مغشوش کند . و منتهای مقده را که دور ازین مملکت هستند بسر غیرت آورده به همه پیوند آزند . و از یکطرف هم اگر حقیقت کار را بشکافیم خواهیم دانست که این بیکاران که با و کاله سخن از آزادی مذهب آنها در میان است خودشان هم بی خبر از همه جایی کول خورده اند . چهار نفر مقصد بیان آنها افتاده و این سخنها قریب با آنها میدهد که مقصود خودشانرا از پیش بیزند . بعد از آنکه از کرده های خود شان نام شده از راه اطاعت باز آمدند و آثار عفو و معذلت و رعیت پروری در حق آنها ظاهر گردید خودشان هم آتوقت خواهند دانست که همه خط کرده و کول خورده بودند . و چیزی که درین میان نبوده است همان فقره تعرض بمذهب بوده است .

خلاصه هیچ وقتی تصدیق نمیتوان کرد که از جانب دولت علیه عثمانیه مانع و محالی در خصوص آزادی مذهب بوده و تعرضی بمذهب و آیین ملی میشود و باوجود این تفصیل کال تعجب را باید کرد که سخنی باین بی مأخذی عنوان همه سخنها گردیده و چه قدرها شاخ و برگ با غلط داده اند !

در روزنامه های المان مینویسند ( کونت اتواتو لبرخ ) که از جانب دولت مشارایا بساتر وین نصب و تعیین شده اند باین مأموریت در وین مدت طولانی اقامت خواهند کرد . مومی البیه این مأمور بترا بطور دائمی قبول نکردند که همیشه بسمت سفارت در آنجا بمانند . ولی برای این است که تجربه لازم را از برای يك مأموریت بزرگتر حاصل نمایند . مذکور است پرنس اسمارک میخواست استعفا کرده و بجای خود ( کونت اتواتو لبرخ ) مومی البیه را بگذارند . کونت اتواتو لبرخ رئیس مجلس والای نجبا در دولت پروسیا بود ( نایه قریه پرسه ) مینویسد در برلین دوستی دولت آتریش را کرانها میدانند بعلت اینکه کسی را بساتر وین تعیین کرده اند که در استقبال مأموریت بالاتر از در پولیتیک خواهد گرفت .

جناب کونت ده شودوری سفیر فرانسه مقیم مادرید ( پایتخت دولت اسپانیول ) حکومت را بجهت غلبه عا کردولتی تبریک نمود . در خصوص نیکبها و مهربانی که بروجین اسپانیا از جانب ملت فرانسه در شهر ( سن اوز ) مشاهده کرده اند کاترهای مادرید اظهار امتنان و شکر گذاری از ملت فرانسه کرده اند .



از مقاله گیاهی زراعت

نان از سه کاز که مولد الموضه و مولد الساء و آژوت و از یک جسم سخت یعنی فحم مرکب و متشکل است . همچنین سارما کولات که همیشه میخوریم کلا مرکب از این چهار چیز میباشد . ولی اگر یکی از این چهار را تنها بکیرم هیچ کدام قابل طعام نیست و ممکن نیست خورده بشود مگر اینکه هر چهار جمع شده مرکب کردند و امتزاج نمایند و بجهت ترکیب یک خاصیت جدید پیدا میکنند . آنکه ما کولات مارا یعنی نان و میوه و سبزیات و حتی گوشت از آنها بعمل میاید .

نان و گوشت که بجهت میشود معلوم است که در آخر چه طور میسر کرد . ترکیبات این نان و گوشت از هم جدا میشود . یعنی تنها زغال که یکی از عناصر آنها بود مانند باقی دیگر بجهت حاصل کردن ترکیبات تازه بطور دود و دخان بلامیود . حرارت همچنانکه فحم موجود می تواند کند آرا تشکیل نیز نتواند کرد تنها فحم را از فقای او می تواند جدا ساخته او را بحال تجرد و تنهایی بیاورد و بداست که عناصرهای دیگر را که دخان بالا میروند از او سوا نمیشاید . و پس از این افتراق یعنی جدا شدن عناصر نان و گوشت از فحم آنها نه نان و نه گوشت قابل خوردن نتواند شد . که این یکی از امور بدیهه است بلکه به تفسیر واضح و آشکار توانیم گفت که پس از این افتراق اجزای نان و گوشت باقی نماند بلکه تنها فحم یعنی زغال و یک دود و بخار را مالک میباشیم .

زغال که درختهای خودمان بکار میبریم گویا میدانیم چه طور این زغالها ساخته می شود . در جنگلهای و بیشه ها چوبها و شاخه های درختان را عودا یعنی سرا بالا مانند اینکه در بخارهای ایران میکذاریم آنها را چید و روی همدیگر جمع کرده باندستهای علف اطراف آنها را خوب میکیند بعد از آن باین شکل که چیده میشود آتش می زند تا می کنند از هر طرفی بسوختن بطوری ترتیب و چون علفها اطراف آرا احاطه نموده است هوا بطور مطلوب نمیتواند داخل شده و بطور مطلوب جریان نیاید و آنچه از این عملیات حاصل شود آرا زغال گویند . حال آن که اینها چوبها را که بجهت زغال درست کردن چیده بودیم بعد از زغال شدن باز همان هیئت اولی باقی میمانند . اکنون هیچ جای تردیدی درین نیست که این زغال در میان آن چوبها بودی و چوبها مانند نانی سوخته گردیده و از عناصر چوب تنها یکی ماند که آن نیز همین زغال است . باقی دیگر در شکل دخان منتشر و متفرق گردید . اکنون درختان که آن چوبها را حاصل کرده و بعمل آورده بودند اکثر اجزای آن یعنی پارچه عده اشرا از حاض فحمی گرفته اند . و از آنمطلب شقیه آسانی حاصل می شود که تا حال نشنیده بودیم . که این زغال که ما روشن میکنیم از هوا حاصل میشود . لکن با بقدرها هم مطلب تمام نیست . این زغال بعد از سوختن باز حاض فحمی شده و هوای نسبی مخلوط می شود . و از این حاض فحمی مجددا اشجار حاصل میگردد و ما باز آن اشجار را می سوزانیم و همین طور الی غیر آنها به حرکت غیر متناهیه رفتار کرده می شود و بنا بر این همین حاض فحمی که بواسطه نفس

کشیدن هوا و از هوا به نباتات میورد و می سوزد و بتأثیر تفرق و پوسیدن باز از نباتات بیان هوا می آید همان حاض فحمی است که بود .

( باز هست )

پورسه

غلطه	۲۱	شباط رومی
اسهام عمومی	۲۲	غروش
استراض	۱۸۶۳	فرانق
	۱۸۶۵	
	۱۸۶۹	
	۱۸۷۲	
	۱۸۷۳	
مندات راه آهن روم ابلی	۵۷	فرانق
سوسنه جنرال	۰۳	لبرای عثمانی
شرکت عثمانیه	۰۲	
اعتبار عمومی	۰۳	
تراوای	۰۱	

کیال غروش  
لندن ۳ ماهه بهر لبرای انگلیس ۱۱۱  
پار یس فرانک ۲۲ ساقیم ۷۰  
فیبات مسکوکات لبرای عثمانی

اوقار صد غروش

لبرای انگلیس	۱۱۱	غروش
لبرای فرانسه	۰۸۸	
امپریال	۰۸۹	
کر میچ	۰۵۱	
رویل ( منات ) نقره	۱۷	
منات کاغذی	۱۴	
مجیدیه	۱۰۲	
بشاک	۱۰۵	
متالک	۱۰۷	
بول سیاه	۱۳۶	

طاهر

اعلامات

مسموم دیوسقوریدس نام طبیب در بالای اوزون چارسو در نزدیکی خان اکتیجی در اجزاخانه ارکول تومره ( ۳۳۳ ) روزهای شبیه و چهارشنبه از ساعت پنج الی هفت برای تدای و معالجه ناخوشهائی که رجوع کنند حاضر است . و بجای آنها قبول خواهد کرد .

طبیب مومی الیه مدهسد می شود . که همه اقسام ناخوشی بواسطه راه سهولت و بتدایر و تدایر حکیمانه معالجه نماید . و همچنین در ناخوشی معده نیز مهارت تمام خود را ابراز خواهد کرد . و بجهت مرضهای مزبور و حتی اختراع و ترتیب کرده است . که محل فروش آنها اجزاخانه مذکور فوق است . و دستور العمل استعمال آنها در ورقه مخصوصه چاپ شده در جوف قوطیهای آنهاست . قیمت

یک قوطی نیم مجیدیه است . در هر کدام از آن ورقه ها و قوطیها امضای طبیب مومی الیه نباشد ساخته و قلب است همین جهت دقت لازم دارد . ش . د . د . پ

مرثیه دوازده بند جناب سعادت مآب کاظم باشا میرلوا از اعضای دارشورای عسکری که بجهت تعزیه داران خامس آل عباسهید کر بلا روحی لهالقد و علیه التحیه و الثنا اثری است نوین و واسطه ایست برای تجدید آیین آموانین بانضمام قصیده غزالی مدحیه در حق حضرت شیه ولایت انشاء فرموده اند اینروزها طبع شده و در دکان جلیل اغا در جنبه طاش و حاجی حسن اغا در باغچه قیوسی فروخته می شود .

( خرابات )

مشکل با انواع قصاید و ترکیات و ترجعات و تسدسات و قطعات و رباعیات و غزلیات و ابیات در چهار زبان یعنی ترکی و چغتای و فارسی و عربی که کزیده ادبی روم و شاعر مشهور و معلوم جناب ضیا یک افندی از آثار و جمع اسلاف و معاصرین انتخاب در سه جلد درج کرده بود در دکان حاجی حسن اغا در جنبه طاش و حاجی حسن اغا در باغچه قیوسی فروخته می شود .

محل فروش اختر

دکان جلیل اغا کتاب فروش در جنبه طاش .  
دکان حاجی حسن اغا کتاب فروش در باغچه قیوسی .  
دکان تذا کو فروش در اقصرای نزدیک بشل طولومه .  
مغازة کتاب فروشی بزرگندرز بر مسافرخانه عسکری .  
در دکان چای فروشی دم در خان والده .

کتاب مستطاب

( میزان الموائین فی امر الدین )

که در چند سال پیش از جانب یکی از مأمورین سفارت سنیة ایران . در خصوص محاکمة ادیان مختلفه ورد بر ساله میزان الحق نام پروتستانی تألیف . و در مطبعه عامه طبع شده است . در مغازه کتاب فروشی در تحت مسافرخانه عسکری در یک مجیدیه سفید فروش میشود .

در ادراخانه ( اختر ) هر نوع اوراق که بزبان فارسی و عربی و المان و فرانسه و انگلیس و روسی و ایتالیایی و اسپانیولی باشد بتری و ازتری بزیبائی مذکور ترجمه و هم نوشتن بعض اوراق بزیبائی مذکور قبول میشود .

( مختار لری اورمان )

یاخود

( فالاریج و لری )

نام رساله تبارو بزبان ترکی از جانب ملزم آن اغوب

افندی ماطوسیان طبع شده در بارقه سربل و جامای دیگر فروخته می شود .  
رساله مذکوره در نهایت سلامت و شابان مطالعه نوشته شده . عربی اخلاق و احوال انسانها تواند بود .

رساله بارقه ظفر دار بیق اسلامبول . لید باکتر و صاف که اثر خالصه یکی از ادبیات مشهور است در دکان هر کتاب فروش از قرار سه غروش فروش میشود .

یک باب خانه در اسکدار در محله خرمالدین در فاق قاطری در غره ۱۶ فروش خواهد شد خانه مذکور در حرم و سلاطین چهارده اطاق و یک طویله و چهار چاه آب یکی شیرین و سه دیگر تلخ و بقدر هزار و هفتصد زرع زمین بنا و بنجیه دارد هر کس طالب باشد بمطبعه اختر مراجعت نماید .

هر گونه کتب و رسائل و اوراق چه بلنوغراف و چه به بنوغراف یعنی با سیمه و چای سنی و حروفی در مطبعه ( اختر ) در کمال خوبی و امتیاز طبع و بهیئت و بهای مناسب و بطور مطلوب و موافق سلیقه تمام کرده میشود و همچنین هر گونه اوراق و اسناد بزرگهای مختلف و خطوط متنوعه و نیز رسمهای گراور و قرون و کارت و زیت فارسی و ترکی و فرانسوی و دفاتر تجارت و هر نوع اوراق رسمیه که از جانب اداره های رسمی و دولتی امر و سپارش داده شود در نهایت امتیاز و خوبی طبع شده و باعث خشنودی خواهشمندان بسیار شلی مذکور از هر جهتی خواهد گردید . و سنجهای لبطوغراف همه جور بزرگ و کوچک به قیمت مناسب بجهت فروش در اداره مطبعه موجود است .

کتاب گلستان افصح الشعر شیخ سعدی شیرازی رجه اعلیه رجه واسمه کثانی است که در قاعی مشرق زمین در نزد عموم اهل لسان و اصحاب ذوق و فهم مسلم و مقبول است و سزاوار بود که همچنان نسخه مطبوعه طبع بطور بسیار خوب و مطرز مرغوب با سیمه یاد کاری برای طالبان آن باشد و مدتی بود که این معنی در نظر بود ولی اسباب این مقصود حاضر نبود تا آنکه ده سال گذشته از اتفاقات حسنه عالیجناب مرزا اغا الملقب بصاحب قلم که از مشاهیر خطاطان ایران است بدر سعادت تشریف آورده و بحسب خواهش دوستان قبول نموده که نسخه مذکوره را بنویسد لهذا نسخه مذکوره در کمال نفاست و خوبی با سیمه شده بود و چون مقصود اصلی خدمتی بمعارف بود بعد از فروخته شدن مقدار کافی ازان از قیمتش تنزیل شده اکنون نسخه های آن در مغازه کتاب فروشی در زیر مسافرخانه عسکریه بایزید و در اقصرای قرب بشل طولومه در دکان تذا کو فروش و در دکانهای جلیل اغا در جنبه طاش و حسن اغا در باغچه قیوسی جلدی از قرار بیست غروش رایج فروش میشود .

مطبعه و ادار خانه و قمار مخصوصه است

کتابی که برای درج کاز شده و طبع نشده است

کتابی که اجرت پوس است از جانب اداره

این کازت از اداره

راستی و

راستی هیئت استقامتی  
بنی نوع مارا بجزیت و شرف  
مارا راست و مستوی  
سرنکون ساخت که دم  
این است که در مقام منت  
روافاده رامیبرد راستکار  
و معطلانه در راه راست رفت

این اعتدال و راستی فامد  
داده شده است بزرگتر  
اختصاص یافته اند . ولی  
کامل و تمام نتوانیم دانست  
استقامت و راستی منوی  
و کردار و گفتار خودمان را  
مطابق با آن صورت راست  
چنان میشود که سعدی  
دوایب است )

معنی صدق و راستی را در اطراف  
ورفتارها و در گفتارها و کرد  
کرده و مبتای عل را بر آن بک  
حقیقه را مالک بشویم .

از یکطرف میگوئیم انسان  
مدنی است . و باید بجهت  
زندگانی نماید . و اسباب  
برقاء و آسایش و امنیت  
خودمان را بجهت تفصیلها  
میرسانیم با ساس اتفاق و  
یکانگی گفته میشود . و روز  
ملاحظه متناهی با شکاری  
کالات و فضائل انسانیه در راه  
حاصل تواند شد . چنانکه  
و اخلاقی نیمه و اثرهای ناگو  
حاصل می گردد .

راست است انسان که در  
و خود راست شد هم در راه  
نیکوینا که در حق خود روا